



فرجام شوم میهمانی دوستانه برای زوج جوان

کامران علمدهی / زن میانسال با چهره‌ای نگران به اداره پلیس رفت و در حالی که اضطراب در چهره‌اش موج می‌زد رو به افسر نگهبان کرد و گفت: دخترم مژگان ناپدید شده است همه جا دنبالش گشتم، اما خبری از او نیست. مطمئنم گم شدن دخترم زیر سر شهرام است.

توجهم را جلب کرد و احساس کردم عاشقش شده‌ام. چند روز بعد شهرام به من زنگ زد و گفت که مژگان شام دعوت کرده و من هم از دعوتشان استقبال کردم و به خانه آنها رفتم. کم‌کم با مژگان گرم گرفتیم و من هفته‌ای چند شب به خانه آنها می‌رفتم و آنها هم به خانه‌ام می‌آمدند تا اینکه یک روز شهرام به تنهایی به خانه‌ام آمد و گفت مژگان قهر کرده و می‌خواهد از من جدا شود. من همان موقع فهمیدم که آنها اختلافات زیادی دارند و من می‌توانم از این فرصت به نفع خودم استفاده کنم. به همین خاطر به بهانه حل اختلاف میان او و شهرام با مژگان تماس گرفتم که بعد از چند دقیقه موضوع صحبت از شهرام به سمت من و خودش کشیده شد و توانستم نظرش را جلب کنم بعد هم ارتباطمان صمیمی‌تر شد تا اینکه شهرام به ماجرای ارتباط ما پی برد و طلاق گرفتند. بعد از آن دیگر من و مژگان با هم بودیم و می‌خواستیم صیغه‌اش کنم که شنیدم شهرام او را کشته است.

به دنبال اظهارات این مرد و تکمیل تحقیقات برای شهرام به اتهام قتل همسرش کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

مادر و پدر مژگان برای داماد سابقشان قصاص خواستند، این در حالی است که پدر متهم به عنوان کفیل فرزندان مقتول که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند باید برای پسرش درخواست مجازات کند.

اعلام شده رفتند و جسد مژگان را کشف و با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل کردند. در ادامه مأموران سراغ دوست شهرام رفتند و او بازداشت شد. مرد جوان پس از دستگیری سعی کرد خودش را بی‌خبر نشان دهد اما وقتی با مدارک معتبر روبه‌رو شد به ناچار اعتراف کرد و گفت: دو سال قبل همراه شهرام و مژگان به جشنی دعوت شده بودم اولین بار بود که همسر شهرام را می‌دیدم، نمی‌دانم چه شد که زیبایی او

روز حادثه با مژگان به سمت فیروزکوه رفتیم و کمی صحبت کردیم بعد هم چون داروی اعصاب می‌خورد گفت خسته است و سرش را روی صندلی گذاشت و خوابید، من هم از فرصت استفاده کردم و تلفنش را برداشتم تا بررسی کنم اما در کمال ناپاوری عکس‌های دوست صمیمی خودم را با مژگان دیدم. آنقدر عصبانی شدم که بدون هیچ مقدمه‌ای چاقویم را از داخل داشبورد درآوردم و با چند ضربه او را کشتم و بعد هم جسدش را در یکی از باغ‌های فیروزکوه دفن کردم. پس از آن هم تعدادی قرص مخدر گرفتم و بدون هیچ فکری آنها را خوردم تا به زندگی‌ام پایان دهم، اما وقتی بیهوش شده بودم رهگذری با اورژانس تماس گرفته بود و مرا به بیمارستان رساندند و زنده ماندم. کاش مرده بودم. وقتی یاد آن فیلم‌ها و عکس‌ها می‌افتم حالم بد می‌شود.

پس از اعتراف‌های شهرام، مأموران با تیم تشخیص هویت راهی محل

نجات یافته بود بازجویی از او را آغاز کردند، اما پیش از بازجویی، پلیس با لکه‌های خون در داخل خودروی شهرام هم مواجه شد. شهرام در ابتدا تلاش کرد تا با سکوت از پاسخ دادن طفره برود اما وقتی در برابر مستندات مأموران قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: پس از ۴ سال زندگی مشترک با مژگان و در حالی که به او اعتماد کامل داشتم چند پیامک ناشناس مرا به او مشکوک کرد و چند هفته‌ای او را زیرنظر گرفتم و به نظرم رسید او با مرد غریبه‌ای در ارتباط است. در نهایت یک روز از او خواستم تا واقعیت را به من بگوید، اما مژگان ارتباط با مرد غریبه را کتمان کرد و در آخر هم گفت که اگر به او اعتماد ندارم بهتر است از هم جدا شویم. اختلاف‌های ما تا جایی پیش رفت که از هم جدا شدیم، اما چند وقت به خاطر دو دخترمان با هم رفت و آمد می‌کردیم.

شهرام نفس عمیقی کشید و افزود:

قرص‌های مخدر در بیمارستانی در شرق تهران بستری است. از سوی دیگر مأموران با بررسی تلفن‌های همراه مژگان و شهرام پی بردند که آخرین بار تلفن همراه هر دو آنها در محدوده فیروزکوه آنتن‌دهی داشته است. این موضوعات که همزمان با ناپدید شدن مژگان رخ داده بود ارتباط این دو نفر را قوت بخشید و مأموران بلافاصله به بیمارستان اعزام شدند و پس از ساعت‌ها انتظار و در زمانی که شهرام از مرگ حتمی



یک روز مژگان به خانه ما آمد و گفت که درخواست طلاق داده و بزودی از شهرام جدا می‌شود. ما خیلی شوکه شدیم

وقتی به توصیه افسر پلیس دقایقی روی صندلی نشست تا آرام‌تر شود، ادامه داد: دخترم ۴ سال قبل با پسری به نام شهرام ازدواج کرد و صاحب دو دختر شدند. بعد از مدتی اختلاف‌های آنها زیاد شد و هرچقدر من و همسرم تلاش کردیم تا مشکل آنها را حل کنیم، موفق نشدیم تا اینکه یک روز مژگان به خانه ما آمد و گفت که درخواست طلاق داده و بزودی از شهرام جدا می‌شود. ما خیلی شوکه شدیم و خواستیم با شهرام صحبت کنیم، اما مژگان خیلی قاطع جلوی ما ایستاد و عنوان کرد، ما تصمیم‌مان را گرفته‌ایم و می‌خواهیم به صورت توافقی از هم طلاق بگیریم.

زن در حالی که اشک می‌ریخت، ادامه داد: بعد از حرف‌های دخترم تا چند ساعت همه سکوت کرده بودیم و فکر می‌کردیم او عصبانی است اما هر بار صحبتی از زندگی مشترکش می‌شد به یکباره به هم می‌ریخت، به همین خاطر ترجیح دادیم حرفی نزنیم تا اینکه یک روز آمد و گفت بالاخره از دست شهرام راحت شدم و طلاق گرفتیم.

ما به خواسته او احترام گذاشتیم و اعتراضی نکردیم. دخترم صبح‌ها سرکار می‌رفت و شب‌ها به خانه برمی‌گشت، زندگی عادی شده بود تا اینکه ناپدید شد. حتی به شهرام و خانواده‌اش هم تلفن کردیم و جویای دخترمان شدیم اما آنها مدعی شدند خبری ندارند.

پس از اظهارات زن میانسال و در حالی که مأموران پلیس ردیابی مژگان را در دستور کارشان قرار داده بودند به پلیس گزارش رسید که شهرام به خاطر سوءمصرف

نگاهی به علل همسرکشی

همسر خود استفاده کرده و نقش معاونت و مشارکت نیز داشته‌اند. در نهایت باید گفت اگر بتوانیم فشارهای روانی و اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهیم و انتخاب بهتری در زندگی برای ازدواج داشته باشیم بی‌تردید شاهد قتل‌های خانوادگی و همسرکشی کمتری خواهیم بود.

راه‌های قانونی فرار و اجتناب از موقعیت‌هایی که در آن گرفتار شده بودند، دلسرد شده‌اند. همچنین در این پژوهش آمده، مردان در تمام موارد، خود به تنهایی و بدون کمک فرد یا افراد دیگر، دست به قتل همسران خود زده‌اند، درحالی که زنان از کمک فرد یا افراد دیگر در قتل

دوستان بزهکار رابطه داشته و یا خود سابقه بزهکاری قبل از قتل داشته‌اند. بنابراین، در زمان بروز مشکلات و فشارهای زندگی نیز از حمایت‌های اطرافیان، خانواده و دوستان و همچنین سازمان‌ها و شبکه‌های حمایتی سالم و بهنجار محروم بوده و در نتیجه، پس از تلاش‌های بسیار، از یافتن

سوی همسر و بعد از آن حسادت، درگیری فیزیکی، مشکلات مالی، افسردگی، الکل و مواد مخدر و خیانت بوده است در ۲۶ درصد از موارد نیز، قاتل بعد از ۲۴ ساعت خودکشی کرده است. نکته دیگر اینکه، اکثر زنان و مردان همسرکش از شبکه حمایتی سالم برخوردار نبوده و برعکس با

جدی مورد توجه قرار گرفته و محققان زیادی، علل و عوامل این پدیده را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. بر اساس یک پژوهش جهانی فشارهای روانی، اجتماعی و اقتصادی از عمده‌ترین عوامل در ایجاد خشونت است. مهم‌ترین و بیشترین انگیزه قتل‌ها، پایان و ترک رابطه از

قتل‌های خانوادگی، بخصوص همسرکشی، برخلاف قتل‌های دیگر، خشونتی تصادفی نیست بلکه نتیجه سال‌ها خشونت خانوادگی، فشارها و پیامدهای زیانبار فردی و اجتماعی را در خود پنهان دارد. پدیده همسرکشی و خشونت در خانواده در تمام جوامع دنیا به عنوان معضلی